

**«بررسی جبران زیان‌های وارده‌ی بر افراد بر اثر
کاهش قدرت خرید پول و چگونگی جبران زیان‌های وارده‌ی
بر سپرده‌ها و منابع بانک»
جناب آقای دکتر سید علی اصغر هدایتی
عضو هیات علمی موسسه بانکداری ایران**

هو العلیم

۱- طرح مساله

به یاری ذات اقدس پروردگاری همتای عزوجل، سخن را با نقل قسمتی از بیانات رهبر معظم انقلاب که در آذر ماه ۱۳۷۴ در جمعی از مدرسان، فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم ایراد فرمودند، آغاز می‌کنیم:

در این سخنرانی، رهبر معظم انقلاب، با اشاره به نکاتی بسیار مهم در زمینه‌ی مسایل اقتصادی و اجتماعی مورد ابتلای جامعه‌ی اسلامی ما، کاهش ارزش پول و تبعات ناشی آن را مورد بحث قرار داده و فرمودند: ... امروز، خیلی از مسائل وجود دارد که فقه باید تکلیف آنها را روشن کند، ولی معلوم نکرده است. فقه، توانائی دارد، لکن روال کار طوری بوده است که فاضل محقق کارآمد به این قضیه نپرداخته است، مثل قضیه‌ی پول. اصلاً پول چیست؟ ... بحث ارزش پول در هنگام تورمهای سرسام‌آور و سنگین، از آن تورمی که به طور قهری در حرکت عمومی هر جامعه وجود دارد و موجب رشد است، چه می‌شود؟ بدون تورم، جامعه به رکود خواهد انجامید - آن مورد را نمی‌گوئیم. منظور این تورمهای ۲۰، ۳۰، ۵۰ درصدی و تورمهای ۳ رقمی است که از این هفته تا آن هفته، از ارزش پول کم میشود. در

این حالتها، قضیه پول چه می‌شود؟ بدهکاریهای پولی و قرضههایی که از هم می‌گیریم، چه می‌شود؟ اگر ۶ ماه پیش ۱۰۰ تومان از شما قرض گرفتیم و حالا می‌خواهیم پس بدهیم، آن ۱۰۰ تومان با ۱۰۰ تومان حالا فرق دارد. بالاخره، تکلیف این مساله، در فقه باید روشن شود. باید برای این کارها، مبنا درست کرد. البته انسان می‌تواند کار خودش را به اطلاعات و عموماً آسان کند، اما مسایل این گونه حل نمی‌شود. (۱)

بیانات جامع، روشنگر و آموزنده‌ی مقام معظم رهبری در مقوله‌ی کاهش ارزش پول، ضمن اشارتی کوتاه بر خطوط اساسی مطالعاتی که می‌باید در این زمینه انجام پذیرد، بر نکات و ملاحظات ذیل تأکید دارد:

۱- لزوم مطالعاتی جامع الاطراف و جدی در باب مساله و یا قضیه‌ی پول از دیدگاه فقه اسلامی و از این رهگذر.

۲- تعمق در مساله کاهش ارزش پول به گونه‌ای بنیانی و اساسی، ارایه رهنمود در مقابله و مبارزه‌ی با آن و در حصول بدین منظور.

۳- از «مقدمات و کلیات» در گذشتن و به اصل موضوع پرداختن.

در همین زمینه، مقام محترم ریاست جمهوری نیز در جمعی از مدیران و مسوولان سیستم بانکی کشور، همزمان با آغاز هفته‌ی بانکداری اسلامی در شهریور ماه ۱۳۷۴ اظهار داشتند:

«... در گذشته، چنین فکر می‌شد که بانکها غیر از کار ربوی، کار زیادی نمی‌توانند بکنند، ولی با مقداری بحث در مبانی فقهی، به خوبی روشن شد که با احکام اسلامی نیز می‌شود نوعی بانکداری مدرن را برپا داشت.

البته یک بحث اساسی هم باید بشود که اصولاً در شرایطی که ارزش پول در اثر تورم - در هر سطحی - به طور سالانه کم می‌شود، آیا این امر اصلاً ربا هست یا ربا نیست؟ این موضوع، موضوعی است قابل بحث و باید به‌بینیم که آیا می‌شود این مقدار کاهش ارزش پول در اثر تورم را به طور کلی از مقوله‌ی ربا جدا کرد یا نه؟ (۲)

متأسفانه، در این زمینه، علی‌رغم تأکید بر ضرورت قطعی مطالعاتی عمیق و گسترده، صرف نظر از چند مطالعه‌ی جانبی و پراکنده، (۳) هنوز تحقیق منظم و منسجمی انجام پذیرفته است.

امید است، تحقیق حاضر، با عنایت به اینکه بررسی پیرامون ماهیت این مساله و تبعات ناشی از آن، علی‌الاصول کاری جدی، فراگیر و گروهی را می‌طلبد - به عنوان «فتح باب» و مقدمه‌ای کوتاه، انگیزه مطالعات کاملتر را در این خصوص فراهم آورد.

۲- اهمیت موضوع

هر اقتصاد پویایی برای تداوم رشد خود نیاز به جریان دائمی سرمایه گذاری دارد. ضرورت حفظ استقلال اقتصادی کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، ایجاب می نماید که در تامین منابع مالی مورد نیاز جهت انجام این سرمایه گذاریها، اتکاء اصلی بر منابع داخلی باشد. بدین منظور، بخش های دولتی و غیردولتی می توانند به عنوان مکمل یکدیگر نقش عمده ای را در تامین منابع مالی مورد نیاز ایفاء نمایند.

در کشورهای در حال توسعه، با امعان نظر بر این واقعیت که سرمایه های بخش خصوصی، فی حد ذاته، به هیچ روی وافی به مقصود نخواهد بود، جذب و تجهیز پس انداز از طریق شبکه های بانکی در تامین منابع مالی برای سرمایه گذاری در بخش های مختلف اقتصادی تاثیر بسزا خواهد داشت. لذا، در کشور ما نیز در شرایط کنونی اقتصاد جامعه که امکانات گسترش زمینه های تولیدی با مشکلات متعددی مواجه است، تجهیز پس اندازهای بخش خصوصی و هدایت آن به سوی فعالیت های مولد، به گسترش ظرفیت های تولیدی منجر گردیده و در نهایت، ضمن تامین رشد اقتصادی از تشدید فشارهای تورمی جلوگیری خواهد نمود.

بدین گونه، بانکها با جذب پس اندازهای خرد و کلان، منابع مورد نیاز را برای ایجاد، راه اندازی و توسعه ی واحدها در بخش های مختلف اقتصادی تامین و با توجه به معیارها و ضوابطی که از سوی مقامات پولی کشور تعیین می شود و نظارت دقیق بر حسن اجرای آن، منابع لازم را در اختیار بخش های اقتصادی قرار خواهند داد. نتیجه ی این فرآیند در شرایط عادی، رشد و شکوفائی اقتصاد کشور ضمن حفظ تعادل در نظام عرضه و تقاضای کل که در واقع از عمده ترین سیاستهای پولی و اعتباری کشور است، خواهد بود.

تردید نمی توان داشت که هر قدر استفاده ی از تمامی امکانات و مقدرات کشور در حصول این تعادل اساسی بیشتر باشد، مبارزه و مقابله ی با تورم صورت جدی تر و واقعی تری خواهد داشت. همان طور که می دانیم، تورم، افزایش مداوم سطح عمومی و به اصطلاح لجام گسیخته ی قیمت هاست، چرا که رشد ملایم و منظم سطح قیمت ها، لازمه ی رشد اقتصادی کشور است. در برخی از جوامع پیشرفته ی صنعتی نیز تورم وجود دارد. لکن، به صورت منظم و مهار شده که شاید بتوان دلیل اصلی آن را وجود بازارهای رقابتی ذکر کرد.

تورم و کاهش ارزش و یا قدرت خرید پول، دو روی یک سکه اند. بدین مفهوم که درست، به میزانی که سطح قیمت ها افزایش می یابد، قدرت خرید پول کاهش پیدا می کند و کاهش قدرت خرید پول نیز، به نوبه خود، آثار منفی در اقتصاد جامعه برجای می گذارد.

بحث در ماهیت و علل بروز تورم (۴) که در تحلیل نهائی با تبیین نقش پول در اقتصاد اسلامی ملازمه نزدیک دارد، (۵) از محدوده‌ی این مقال خارج است، لکن، همان گونه که اشاره شد، نکت تولید و به بیان دیگر عدم تعادل اساسی بین عرضه و تقاضای کل، بی‌تردید، در حدوث این بلیته‌ی خانمانسوز اقتصادی - اجتماعی تاثیر بسزا دارد.

با توجه به مراتب فوق، در مقاله‌ی حاضر، «صورت مساله» ناظر است بر اقتصادی بیمارگونه که تمامی قرائن و شواهد، ابتلای آن را به درد جانکاه و البته نه صعب‌العلاج تورم نشان می‌دهد، لذا در مقام چاره‌جویی و ارایه طریق، سوال اساسی این است که با توسل به چه تمهیدات و تدابیر، بیمار مشرف به موت را از ورطه‌ی نیستی برهانیم و یا حداقل از تشدید بیماری که عواقب زیانبار آن جامعه را با صدمات و لطمات احیاناً غیرقابل جبران مواجه می‌نماید بکاهیم؟

سوال اساسی این است که در رهگذر این رویداد مصیبت‌زا، زیانهای وارده بر افراد جامعه خصوصاً دارندگان درآمدهای ثابت که اکثریت عظیم طبقه متوسط کشور را تشکیل می‌دهند چگونه جبران نمائیم؟ و اگر از هم اکنون، در این زمینه چاره‌اندیشی نکنیم، آیا به نظر نمی‌رسد که فردا خیلی دیر باشد و به قول خواجه‌ی شیراز «مایه نقد بقاء را که ضمان خواهد شد»؟

آنچه در پی خواهد آمد، تلاشی است در حد بضاعت ناچیز نویسنده در پاسخ بدین سؤال اساسی. مقدماً سعی شده است که از لحاظ سابقه‌ای امر، نگرشی به امکان جبران زیانهای وارده بر افراد و مشخصاً زیانهای وارده بر اثر کاهش ارزش پول به عمل آید و ضمن بررسی دیدگاههای اندیشمندان معاصر در این مقوله، چگونگی جبران کاهش ارزش پول در چارچوب اقتصاد اسلامی به اختصار مورد بحث قرار گیرد.

۳- نگرشی به امکان جبران زیانهای وارده‌ی بر افراد

امروزه بر اساس اصول و موازین حقوقی مسلم شده است که هرکس در استفاده‌ی از حقی مرتکب تقصیر شود یا بی‌احتیاطی و غفلت نماید، مسؤول جبران زیان وارده بر دیگری خواهد بود. به عبارت دیگر، در جامعه‌ی کنونی، هر نوع فعالیت برای موجد آن محیط خطری نیز ایجاد می‌نماید که برکس در این محیط خسارتی وارد آید، ایجادکننده مسؤول جبران خسارت وارده نیز خواهد بود. قدیمترین نوشته‌ی مدونی که در این زمینه وجود دارد، قانون الواح دوازده گانه رومیان بوده است.

در قانون الواح دوازده گانه از جبران زیانهای ذیل بحث شده است:

اول - زیان جانی INJURA دوم زیان مالی که وارد ساختن زیان ناحق به غیر

DANUM INJURIA DATUM از موارد مشخصه آن بوده است.

وارد ساختن زیان ناحق به غیر، مباحث بسیاری را درباره ضمان قهری در حقوق رم به وجود آورد. بعدها، لفظ «تقصیر» جایگزین واژه‌ی «ناحق» گردید. بدین توضیح که رفتار پدر خوب خانواده BONUS PATER FAMILIAS ملاک تشخیص «تقصیر» از «غیرتقصیر» قرار گرفت و هر شخص که از میزان و بهتر بگوئیم حد رفتار «پدر خوب خانواده» تجاوز می‌کرد، «مقصر» قلمداد می‌گردید. (۶) بدین گونه، تاسیس «حقوق» به مفهوم اعم کلمه، در میان دانشمندان رومی و خاصه «ژوستینین» حقوقدان نامدار رومی مباحث جالبی را برانگیخت، لکن، گفتنی است که تکمیل این تاسیس و قاعده کلی آن در حقوق اروپائیان صورت گرفت.

در حقوق اروپائیان، جبران زینهای وارده بر افراد از انتساب ضمان قهری یا مسوولیت غیر قراردادی به تقصیر نشأت گرفت.

ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه آشکارا موید این معنی است «هر شخصی نسبت به زینانی که از تقصیر او به غیر وارد شود، ضامن و مسوول خواهد بود». به دیگر سخن، درحال حاضر، در حقوق فرانسه، شرط اصلی، در ضمان قهری و مسوولیت غیرقراردادی ارتکاب تقصیر است و برای آن مانند رومیان، رفتار شخص محتاط ملاک عمل قرار می‌گیرد. مفهوم آن این است که هر فرد در رفتار خود نسبت به غیر، باید همان اندازه مواظبت نماید که شخص محتاط در رفتار خود معمول می‌دارد. (۷) در حقوق اسلام، قاعده‌ی معروف «اتلاف و تسبیب» که منبعت از افکار جاودان پیامبر عالیقدر اسلام حضرت محمد (ص) می‌باشد. بنیانگذار ضمان قهری و مسوولیت غیرقراردادی است. احکام و احادیث منتسب به پیامبر ختمی مرتبت تماماً و اساساً از قاعده کلی و عمومی اتلاف و تسبیب حکایت دارد. از آن جمله است:

قاعده - من اتلف مال غیره فهو له ضامن - هرکس مال غیر را تلف کند ضامن خواهد بود. قاعده - من له الغنم فعليه الغرم - هرکس به غنیمتی دست یابد باید بهای آنرا نیز بپردازد و از همه مهمتر قاعده: لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام - در اسلام حکمی که وقوع زیان و ضرر را به اشخاص تجویز نماید وجود ندارد. (۸)

فقه‌های اسلام، قاعده «اتلاف» را از «تسبیب» تفکیک نموده‌اند. بدین معنی که قاعده «اتلاف» را به مباشرت در اضرار و قاعده «تسبیب» را به دیگر احکام یاد شده‌ی فوق ناظر دانسته‌اند. از دیدگاه آنان علت، وقتی است که در ایجاد تلف به طور مستقیم تاثیر کند (قاعده اتلاف) ولی سبب، چیزی است که اگر وجود نمی‌داشت، علت تلف در حدوث زیان تاثیر نمی‌نمود (لولا له لما حصل التلف)، اما، شرط، چیزی است که «یلزم من عدمه عدم». بر این اساس، در فقه اسلامی، مسوولیت، به مفهوم وسیع کلمه،

مبتنی بر سه امر است: علت، سبب، شرط. یعنی هرکس (در واژگان حقوق امروزی: حقیقی یا حقوقی) علت تلف، یا سبب تلف، یا شرط تلف را ایجاد کند، ضامن خواهد بود.

قانون مدنی ایران، به تبع فقه اسلامی، در پارهای موارد، به قاعده اتلاف و تسبیب استناد نموده است. طبق ماده ۳۲۸، هرکس مال غیر را تلف کند ضامن است و باید مثل یا قیمت آنرا بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند، ضامن نقص آن مال است.

از مطالعه‌ی این ماده و موارد مشابه، توجه قانونگذار راجع به ضمان قهری و مسوولیت غیر قراردادی معلوم می‌شود. ماده ۳۳۲ قانون مدنی موید این نظر است: «هرگاه، یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسوول است نه مسبب، مگر آنکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد» (۹).

بررسی مکاتب مذکور و بالاخص دیدگاه حقوقی اسلام در باب جبران ضرر و زیان وارده‌ی بر افراد جای تردید باقی نمی‌گذارد و لذا با عنایت به نکات و موارد مطروحه‌ی در مقوله‌ی مورد بحث، سوال اساسی این خواهد بود که آیا جبران زیان وارده‌ی بر افراد بر اثر کاهش ارزش پول شرعاً قابل توجیه می‌باشد و چنانچه پاسخ این سوال مثبت باشد، مسوولیت جبران آن بر عهده‌ی چه مقامی است؟

در باب توجیه جبران زیان وارده‌ی بر افراد بر اثر کاهش ارزش پول از دیدگاه شرعی، از سوی فقهای عظام، نظرات مخالف و موافقی عنوان گردیده است که می‌تواند من حیث المجموع راهگشای این مشکل اقتصادی و اجتماعی قرار گیرد.

نظرات مخالف، در عین حال که در بیان موضوع بر احکام و روایات تاکید می‌نماید، لکن کمتر به «تبیین» موضوع می‌پردازد و به مقتضیات و مناسبات زمان توجه چندانی معطوف نمی‌دارد. البته مقام و نیز احکام مورد استناد از این دیدگاه، بر همگان مسلم است لکن گفتنی است که جملگی آنها در عداد «احکام اولیه» تلقی نمی‌شوند و لذا «وحی منزل» به شمار نمی‌روند. نظرات موافق، ضمن تاکید و تکیه بر مستندات، با یک برخورد پویا و با عنایت به شرایط و مقتضیات زمان، در مقام بررسی و نتیجه‌گیری از این احکام است و همواره «شان نزول» آنها را مطمح نظر قرار می‌دهد.

شاهد مثال، جبران تورم به مثابه «جبران خسارت ناشی از استهلاک» از دیدگاه شهید بزرگوار آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی و تلقی «استقراض» به منزله‌ی «تبادل قدرت خرید» از دیدگاه حضرت آیت‌الله سید محمد موسوی بجنوردی است که در صورت پذیرش تفکر اخیر الذکر بی‌تردید تحولی در حفظ قدرت خرید سپرده‌گذاران و موارد مشابه آن و در نتیجه استقرار مساوات و عدالت

EQUITY & JUSTICE که هدف غائی اقتصاد و بانکداری اسلامی است به وجود خواهد آمد. در این صورت، یعنی پذیرش جبران زیان وارده‌ی بر افراد بر اثر کاهش ارزش پول، سؤال اساسی بعدی این خواهد بود که مسوولیت جبران این ضرر و زیان برعهده چه مقامی خواهد بود؟ پاسخ این سؤال را، با استقضاء دیدگاه شهید بزرگوار سیدمحمدباقر صدر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

استاد عالیقدر، علامه سیدمحمدباقر صدر، در کتاب مشهور خود «اقتصادنا»، در بحث مربوط به «مسوولیت دولت در اقتصاد اسلامی» (۱۰) با اشاره و تصریح بر اینکه «اسلام، دولت را مکلف به تامین کامل وضع معیشت عموم کرده است» (۱۱)، در تحقق این امر مهم، بر دو اصل تاکید می‌نماید:

۱- تامین اجتماعی، (۱۲) حاکی از لزوم تامین حاجتهای حیاتی و ضروری افراد و فراتر از آن، تضمین سطح زندگی بالاتر و برتر برای تمامی افراد تحت سرپرستی خود، (۱۳)

۲- توازن اجتماعی، حاکی از توازن افراد جامعه از حیث سطح زندگی و نه لزوماً از جهت درآمد. (۱۵)

شهید صدر، در جمع‌بندی مطالب مطروحه در این بحث، نتیجه می‌گیرد که منظور از توازن اجتماعی، توازن افراد جامعه از حیث سطح زندگی است و نه لزوماً تساوی در درآمد و اضافه می‌نماید که مقصود از سطح زندگی این است که امکانات مادی به اندازه‌ای در دسترس افراد باشد که بتوانند متناسب با مقتضیات روز، از مزایای زندگی برخوردار گردند، به دیگر سخن، سطح زندگی یکسانی برای تمامی افراد جامعه تامین شود. (۱۶)

چنانکه خواهیم دید، بزرگترین مشکل اقتصادی - اجتماعی فراراه دولت در تامین این هدف متعالی، افزایش سریع قیمت‌ها و به بیان دیگر بروز و تشدید گرایشهای تورمی است که تزلزل ارکان عدالت اجتماعی (تامین و توازن اجتماعی به تعبیر شهید صدر، از تبعات و پیامدهای اسفبار آن است.

خلاصه و نتیجه

از مجموع مطالب مطروحه در این بخش از مقاله، به نتایج مشخص ذیل دست می‌یابیم:

۱- «دولت» به عنوان «پدر خوب خانواده» از دیدگاه حقوق رم و به استناد «قاعده‌ی لاضرر» و «مسوول اقتصاد جامعه» از دیدگاه حقوق و اقتصاد اسلامی، وظیفه‌ی حفظ سلامت جامعه و اداره امور افراد تحت سرپرستی خود را بر عهده دارد.

۲- اداره امور افراد تحت سرپرستی و بالجمله جبران زیان وارده‌ی بر افراد و به طریق اولی

جبران زیان کاهش ارزش پول ملی، در عداد اعمال و وظایف حاکمیت دولت است. (۱۷)

۳- این وظیفه، علی‌الخصوص، در شرایطی که تصدی امور پولی و اعتباری، بر اساس قوانین مدون کشورها در حیطه «اختیار» و «اقتدار» دولت قرار دارد، (۱۸) حائز کمال اهمیت و از حساسیت بسیار برخوردار است.

۴- در جامعه‌ی اسلامی که اقتصاد اسلامی بر آن حکمفرماست، نمی‌توان به راحتی مساله کاهش ارزش پول (قدرت خرید پول) را نادیده انگاشت. مساله کاهش قدرت خرید پول نه تنها برای قرض دهنده و قرض گیرنده، بلکه برای تمامی افراد جامعه به ویژه برای افراد دارای درآمدهای ثابت و کم درآمد مطرح و اثرات و تبعات نامطلوب آن در تمامی زوایای زندگی روزمره محسوس و مشهود است.

۵- در عین حال که تمامی فقهای متقدم و متاخر مشخصاً و به صراحت متعرض این مساله نشده‌اند و لذا این مساله را می‌توان جزو مسایل مستحدثه دانست، مع هذا، برآیند کلی دیدگاه‌های چند تن از فقها و اندیشمندان به نام معاصر بر لزوم جبران زیانهای وارده بر افراد بر اثر کاهش قدرت خرید پول منتهی می‌شود.

با توجه به مراتب مذکور و با عنایت به دیدگاه‌های شهید بزرگوار سید محمدباقر صدر به عنوان نمونه‌ای از اظهار نظر اندیشمندان طراز اول اسلام در باب جبران ضرر و زیان وارده بر افراد مبتنی بر آیات و احکام متقن و مستند در این زمینه و بالاخص قاعده‌ی لاضرر و لاضرار اصل موضوع در ارتباط با مسوولیت دولت به هیچ روی مورد کوچکترین تردید نمی‌تواند قرار گیرد و لذا ضرورت ایجاب می‌نماید که در چگونگی امکان رفع زیان و خسارت وارده بر افراد و در موضوع مورد بحث ما چگونگی امکان رفع زیان ناشی از کاهش ارزش قدرت خرید پول مطالعه‌ای جدید و جامع‌الاطراف به عمل آید.

آنچه ذیلأ به استحضار می‌رسد، بررسی مختصر و مطالعه‌ای مقدماتی است که در ارتباط با چگونگی امکان جبران کاهش ارزش پول در حد بضاعت نویسنده همراه با ارائه پیشنهاداتی در این زمینه انجام پذیرفته است.

۶- بررسی چگونگی امکان جبران کاهش ارزش پول

الف - استفاده از روش شاخص‌بندی INDEXATION هنگام بروز و گسترش تورم، خصوصاً اگر افزایش قیمت‌ها شدید و مستمر باشد، معمولاً این بحث مطرح می‌شود که دارندگان درآمدهای ثابت، نخستین قربانیان این وضع خواهند بود.

بررسی سوابق موجود نشان می‌دهد که معمولاً به همراه نوسان شدید قیمت‌ها، موضوع «شاخص‌بندی» مطرح می‌گردد.

شاخص‌بندی نرخ‌ها، اول بار در اواخر قرن نوزدهم توسط ویلیام استانلی جونز (۱۹) W.S.JEVONS عنوان گردید و سپس آلفرد مارشال (۲۰) A.MARSHAL اقتصاددان شهیر این نظریه را دقیقاً مورد بحث قرار داد. خلاصه‌ی نظریه‌ی مارشال این بود که در این گونه موارد، مبلغ اسمی وام با توجه به نوسان شاخص قیمت‌ها، می‌باید تغییر یابد تا معادل قدرت خرید پول به هنگام دریافت در سررسید وام بازپرداخت شود. مارشال، نظریه خود را در مقاله‌ای تحت عنوان «درمان نوسان قیمت‌ها» در سال ۱۸۸۷ منتشر کرد و در این مقاله به طور خلاصه عنوان نمود که در جوامع معاصر، پول دو نقش اساسی را ایفاء می‌نماید:

از یک طرف وسیله پرداخت محسوب شده و از سوی دیگر واحدی جهت ارزش خدمات و دستمزدها و سایر نرخ‌ها تلقی می‌گردد. طبیعی است که تغییرات قیمت‌ها و به عبارت دیگر، نوسان قدرت خرید پول در نقش اول یعنی وسیله پرداخت‌ها تأثیری نخواهد داشت ولی در نقش دوم، این تغییرات کاملاً ارزش پول را تحت تأثیر قرار داده و در واقع معادل کاهش و یا افزایش قدرت خرید پول، ارزش واقعی درآمد افراد نیز تغییر خواهد کرد.

پس از جنگ جهانی اول، با توجه به افزایش شدید قیمت‌ها در ممالک اروپائی، موضوع شاخص‌بندی خصوصاً در مورد وام‌ها مجدداً مطرح گردید، زیرا افرادی که اوراق قرضه خریداری نموده و یا وام پرداخت کرده و در بانک سپرده تودیع نموده بودند، در سررسید وجهی دریافت می‌داشتند که قدرت خرید آن به شدت تنزل کرده بود.

با توجه بدین وضع، اریک لیندهال (۲۱) E.LINDHAL دانشمند سوئدی پیشنهاد نمود باید به افراد اجازه داده شود که در قراردادهای وام این شرط را پیش‌بینی کنند که اصل مبلغ وام در سررسید معادل قدرت خرید واقعی آن حین پرداخت بوده و بنابراین، وام گیرنده باید معادل رشد شاخص قیمت‌ها در فاصله دریافت و بازپرداخت وام بر اصل مبلغ وام بیفزاید.

پس از جنگ جهانی دوم، موضوع انتشار قرضه با نرخ متغیر و یا پیش‌بینی شرط شاخص‌بندی در قرارداد وام و یا اوراق سپرده بانکها مجدداً مطرح گردید، تا آنجا که بسیاری از علماء اقتصاد عنوان می‌نمودند که در صورت عدم پیش‌بینی این شرط، سرمایه‌گذاران در خرید اوراق قرضه و یا پرداخت وام و یا تودیع سپرده در بانکها منصرف گردیده و امکانات خود را به بخش‌های دیگر سوق خواهند داد.

- شاخص‌بندی دستمزدها

همانگونه که اشاره شد، دارندگان درآمدهای ثابت، نخستین قربانیان تورم را تشکیل می‌دهند، چه علی‌رغم رشد قیمت‌ها، ناچارند در همان سطح قدیم، مزد و حقوق خود را به پولی که قدرت خرید

خود را از دست داده است، دریافت دارند و همین امر، علت اصلی تشنجات و اعتصابات کارگری را در غالب کشورها فراهم آورده است. واقعیت این است که کارگران و حقوق بگیران از مشاهده‌ی ترقی هزینه زندگی، احساس می‌کنند که مزد و حقوق دریافتی نه تنها نمی‌تواند سطح زندگی آنان را ارتقاء داده و احتیاجات روزافزونشان را تامین نماید، بلکه حتی نمی‌توانند با مزد دریافتی در همان سطح زندگی سابق زندگی کنند و بدیهی است که در این حالت، افزایش دستمزد را حق مشروع خود دانسته، مصرأ ترمیم اشل دستمزد را مطالبه کرده و در مواجهه با مقاومت کارفرما یا دولت حتی به اعتصاب متوسل می‌شوند. لذاست که برای رفع این اشکال، سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری و برخی از علماء اقتصاد، شاخص‌بندی دستمزدها را توصیه کرده پیشنهاد می‌نمایند که تعرفه حقوق و دستمزد باید متناسب با تغییرات شاخص قیمت‌ها افزایش یابد تا این اطمینان حاصل گردد که ارزش واقعی مزد و حقوق دریافتی ثابت بماند.

این سیستم در غالب کشورها اجرا گردیده و در نتیجه، در قراردادهای دستجمعی کار، پیش‌بینی شاخص‌بندی دستمزدها لحاظ می‌شود. (۲۲)

در کشور ما، بر اساس مفاده ماده ۴۱ قانون کار، شورای عالی کار مکلف گردیده است که حداقل دستمزد کارگران را در نقاط یا صنایع مختلف کشور، به تناسب افزایش هزینه زندگی که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌گردد، تعیین نمایند. (۲۳) مستند بر قانون استخدام کارکنان دولت نیز اشل حقوق به تناسب هزینه زندگی در نظر گرفته شده است. طبق مفاد ماده ۲۳ قانون فوق‌الاشعار، «سازمان امور اداری و استخدامی کشور مکلف است در موردی که به علت افزایش هزینه زندگی و عوامل دیگر، تغییر ضریب جدول حقوق ضروری باشد، تغییر ضریب را برای تصویب مجلس شورای اسلامی به دولت پیشنهاد کند». (۲۴) افزون بر این، طبق تبصره ۴ ماده ۱ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت: «دولت مکلف است تغییر ضریب حقوق موضوع ماده ۳۳ قانون استخدام کشوری و اصلاحات بعدی آن را همه ساله با توجه به شاخص هزینه زندگی که مشترکاً توسط سازمان امور اداری و استخدامی کشور، وزارت امور اقتصادی و دارائی، سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد خواهد شد، مورد تصویب قرار دهد و به همین نسبت، حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران را افزایش دهد. (۲۵)

- شاخص‌بندی مبلغ اسمی اوراق قرضه با توجه به اینکه نوسان قیمت‌ها و قدرت خرید پول موجب تغییر ارزش واقعی اوراق قرضه می‌شود و این تغییرات خصوصاً در اوراق قرضه بلندمدت بسیار قابل توجه خواهد بود، لذا پس از جنگ جهانی دوم، انتشار اوراق قرضه شاخص‌بندی شده مورد توجه قرار گرفته و برای جلب اعتماد و تمایل افراد به سرمایه‌گذاری در خرید اوراق قرضه، موسسات

صادرکننده اوراق در متن اوراق مذکور تصریح می‌کنند که اصل مبلغ اوراق قرضه متناسب با شاخص قیمت‌ها در فاصله انتشار تا سررسید اوراق افزایش یافته و بنابراین، خریدار علاوه بر بهره، معادل ارزش واقعی سرمایه‌گذاری خود را دریافت خواهد داشت.

- شاخص‌بندی قرارداد وام

همان طور که اشاره شد، در اواخر قرن گذشته، علماء اقتصاد در مورد وام‌های بلندمدت، شاخص‌بندی را موکداً پیشنهاد می‌نمودند. حقیقت این است که اگر در گذشته، این نگرانی فقط در مورد وام‌های بلندمدت وجود داشت، در حال حاضر، نوسان شدید قیمت‌ها حتی در مورد وام‌های کوتاه‌مدت نیز می‌تواند بستانکار را از لحاظ قدرت خرید پول نگران کنند. از اینرو، بسیاری از بستکانکاران علاقمندند که در قراردادوام و یا اعتبار شاخص‌بندی مبلغ وام پیش‌بینی شده و اصل مبلغ به هنگام واریز آن، متناسب با شاخص قیمت‌ها افزایش یابد.

- شاخص‌بندی سپرده‌های بانکی

بدیهی است که تغییرات قدرت خرید پول می‌تواند ارزش واقعی سپرده افراد نزد بانکها را تحت تاثیر قرار داده و بدین ترتیب کسی که نزد بانک سپرده تودیع می‌کند، در صورت ترقی قیمت‌ها در سررسید، مبلغی کمتر از ارزش واقعی آن در زمان تودیع دریافت می‌نماید. پیش‌بینی این وضع، می‌تواند موجب نگرانی افراد گردیده و تمایل آنان را به جای تودیع سپرده در بانک، به خرید کالاها یا اموال دیگر برانگیزد و در نتیجه، بانکها از مهمترین منبع تامین مالی خود محروم گردند.

تجربه نشان داده است که در هنگام تورم، معمولاً افراد درآمد‌های خود را بلافاصله صرف خرید کالا خواهند کرد و نیاز به تذکار نیست که همین عامل بر اثر افزایش سطح تقاضای خرید کالا، موجب تشدید تورم می‌گردد، در حالی که اگر بانکها بتوانند نگرانی افراد را رفع و آنان را به تودیع سپرده تشویق کنند، لزوماً قسمتی از قدرت خرید خانواده‌ها پس‌انداز شده و کاهش تقاضا می‌تواند در کنترل تورم و تثبیت قدرت خرید پول جبران گردیده و افراد با اطمینان از ارزش واقعی سپرده‌های خود به پس‌انداز تشویق شوند. (۲۶)

ب - امکان استفاده از روش شاخص‌بندی در نظام بانکی ایران

بنابه مراتب فوق و با توجه به موارد مذکور در مقوله‌ی شاخص‌بندی، سؤالی که بلافاصله متبادر به ذهن می‌شود این است که آیا این شیوه، در چارچوب نظام بانکداری کشور ما قابل توجیه و اجرا می‌تواند باشد؟

برخی از صاحب نظران، مازاد پرداختی به منتفعان از شاخص بندی را به منزله ی زیادتی مشمول تعریف «ربا» می پندارند. به نظر می رسد که این ایراد وارد نباشد. زیرا «ربا» به معنای اعم و «بهره» به مفهوم اخص کلمه، مبلغی است «ثابت و از قبل تعیین شده»، حال آنکه مازاد حاصل از «شاخص بندی»، رقمی است «متغیر» که متناسب با روند شاخص کالاها و خدمات مصرفی به هنگام استرداد سپرده های دریافتی ملاک عمل قرار می گیرد. (۲۷)

بنابراین، سوال اساسی دیگری که مطرح می شود این است که با عنایت به نکات و ملاحظات برشمرده، جبران کاهش ارزش پول در ارتباط با سپرده ها و منابع بانکی و به تناسب روند شاخص کالاها و خدمات مصرفی چگونه و به چه ترتیب امکان پذیر خواهد بود؟
ذیلاً این موضوع را به اختصار مورد بررسی قرار می دهیم:

۱) تامین سود واقعی سپرده های بانکی - شاخص بندی انواع سپرده ها

طبق ماده ۴ قانون عملیات بانکی بدون ربا: «بانکها مکلف به بازپرداخت اصل سپرده های قرض الحسنه (پس انداز و جاری) می باشند و نیز می توانند بازپرداخت اصل سرمایه گذاری مدت دار را تعهد و بیمه نمایند».

این الزام قانونی، در عین حال که با مقررات پیش بینی شده در قوانین قبلی و مشخصاً قانون پولی و بانکی کشور مصوب تیرماه ۱۳۵۱ قابل قیاس نیست، (۲۸) مع هذا، در موضوع مورد بحث در این مقوله یعنی جبران زیان کاهش ارزش سپرده های بانکی، وافی به مقصود نمی تواند باشد.
طبق ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا، انواع سپرده ها در نظام بانکی جدید عبارتند از:

- سپرده های قرض الحسنه (جاری، پس انداز)

- سپرده های سرمایه گذاری مدت دار (کوتاه مدت، بلند مدت)

سپرده های قرض الحسنه اعم از جاری و پس انداز، بر اساس رابطه حقوقی دائن - مدیون، قسمت قابل ملاحظه ای از «منابع بانک» را تشکیل می دهند و در طرف مقابل، سپرده های سرمایه گذاری مدت دار، بر مبنای رابطه حقوقی وکیل - موکل، کلاً «منابع سپرده گذار» را به وجود می آورند.

بدیهی است، «منابع سپرده گذار»، چنانکه از نام آن مستفاد می شود، کلاً و مشاعاً متعلق به تمامی سپرده گذاران است و لزوماً به اعطای تسهیلات ذریبط در قالب عقود و معاملات اسلامی تخصیص می یابد. مفهوم آن این است که پرداختهای دیگر از این محل، مغایر و منافای مقررات پیش بینی شده در قانون عملیات بانکی بدون ربا خواهد بود. حال آنکه در مورد «منابع بانک» چنین محدودیت و منع قانونی وجود ندارد، کما اینکه تا همین اواخر، مابه التفاوت سود پرداختی به

سپرده‌گذاران سرمایه‌گذاری، در چارچوب حقوقی نظام بانکی جدید کشور و با تصویب مجمع عمومی بانکها، از محل منابع بانک‌های کشور تامین می‌شده است.

با توجه به مراتب بالا و در مقوله‌ی مورد بحث، این سوال مطرح می‌شود که آیا مابه‌التفاوت ارزش اسمی و ارزش واقعی سپرده‌های قرض‌الحسنه را به هنگام استرداد، از این محل و متناسب با روند شاخص کالاها و خدمات مصرفی می‌توان پرداخت و آیا پرداخت مابه‌التفاوت سود اعلام شده (تحقق یافته) و سود واقعی سپرده‌های سرمایه‌گذاری متناسب با شاخص کالاها و خدمات مصرفی نیز از همین محل قابل تامین خواهد بود؟

به نظر این جانب، مدلول اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بانکداری را در حیطه‌ی اختیار دولت برمی‌شمارد و نیز مفاد قانون ملی شدن بانکها که مالکیت و مدیریت بانکهای کشور را صراحتاً از آن دولت اعلام می‌دارد، موید آن است که اقدام در هر یک از موارد مذکور، علی‌الاصول مغایر با مقررات و موازین قوانین فوق‌الاشعار نمی‌باشد. النهایه، اعمال این نظر مستلزم محاسبه‌ی بار مالی و تدوین مقررات ذیربط خواهد بود. در نیل بدین منظور، از تجارب کشورهای دیگر در شاخص‌بندی سپرده‌های بانکی، می‌توان به خوبی استفاده نمود.

۲) تامین سود واقعی حاصل از کاربرد «منابع سپرده‌گذار»

طبق تبصره ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا:

«سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در به کار گرفتن آنها وکیل می‌باشد، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در خصوص این تبصره تذکار موارد ذیل ضرور می‌نماید:

- ۱- با امعان نظر به اینکه مشارکت پیش‌بینی شده در متن قانون دو نوع مشارکت مدنی و حقوقی و فروش اقساطی سه نوع فروش اقساطی مواد اولیه، وسایل و لوازم و مسکن را دربر می‌گیرد.
- ۲- با عنایت به اینکه قرض‌الحسنه اعطائی و خرید دین نیز در عداد تسهیلات اعطائی در نظام بانکی، به شمار می‌روند.

لذا، تسهیلات اعطائی مورد اشاره در تبصره مذکور، ۱۴ مورد یا به اصطلاح ۱۴ ابزار را متضمن خواهد بود و با توجه به اینکه از ۱۴ ابزار مورد بحث، مزارعه و مساقات تاکنون به مرحله اجرا درنیامده و خرید دین نیز به دلایل عدیده از شمول تسهیلات اعطائی ۱۴ گانه فوق عملاً خارج گردیده است (۲۹)، در حال حاضر، ۱۱ ابزار در بانکهای ما مورد استفاده قرار دارد.

۴- ابزار ۱۱ گانه مذکور را با توجه به ماهیت حقوقی هر یک از آنها می توان در سه گروه اصلی: مشارکات، مبادلات و قرض الحسنه خلاصه کرد.

۵- در گروه مشارکات و بالخصوص در مورد مضاربه، حداقل سود مورد انتظار، که در واقع به عنوان ضابطه ای برای جلوگیری از زیان وارده بر بانک تعبیه شده است و در تجربه ی کشور ما یکی از وجوه تمایز بانکداری بدون ربا در مقایسه با بانکداری ربوی به شمار می رود سهواً و چه بسا تعمداً ملاک محاسبه ی سود واقعی قرار می گیرد.

این شیوه ی عمل، بی تردید یکی از نقاط ضعف نظام بانکداری بدون ربا در کشور ما می باشد و از آنجا که سود واقعی - سودی که به مراتب بیش از حداقل سود مورد انتظار می باشد - ملاک عمل قرار نمی گیرد، بانک، به عنوان طرف اصلی قرارداد، سهم بسیار نازل تری از سهم استحقاقی خود را دریافت می دارد و در واقع مبالغ معتناهی از محل منابع سپرده گذار و یا از منابع سپرده گذاران سرمایه گذاری به جیب منتفعان از تسهیلات بانکی سرازیر می شود.

بدیهی است که خصوصاً در شرایط تورمی، بانکهای ما بدین علت متضرر می شوند و لذا به منظور جلوگیری از زیان وارده بر بانک و در واقع سپرده گذاران سرمایه گذاری، سود واقعی حاصل از کاربرد منابع سپرده گذار می یابد ملاک عمل قرار گیرد.

۶- در مورد گروه مبادلات که فروش اقساطی مهمترین و در واقع فرد اکمل آنست، سود منابع تخصیصی بانک توسط شورای پول و اعتبار تعیین می شود. در این خصوص، لازم است به دو نکته بسیار مهم اشاره شود:

۱) سود منابع تخصیصی بانک، دیر به دیر اعلام می شود و این تاخیر در اعلام نرخ، به ویژه در شرایط تورمی قابل توجه نمی باشد.

۲) نرخهای اعلام شده، علی الاصول با شاخص کالاها و خدمات تناسبی ندارد و بدیهی است که بانکهای ما در این مورد نیز، خصوصاً با عنایت به اینکه منابع تخصیص یافته برای معاملات اقساطی حدود نیمی از کل منابع بانکها از محل سپرده های سرمایه گذاری را تشکیل می دهد، سود واقعی و استحقاقی خود را دریافت نمی دارند و این، در تحلیل نهائی هم به ضرر بانک و هم به طریق اولی به زیان سپرده گذاران سرمایه گذاری منتهی می شود.

۷- در مورد قرض الحسنه اعطائی، چنانکه سابقاً اشاره شد، می توان در قراردادهای وام، شاخص بندی مبلغ اسمی وام را متذکر گردید و اصل مبلغ وام را به هنگام واریز آن، متناسب با شاخص کالاها و خدمات افزایش داد و بدین ترتیب، از زیان وارده ی بر بانک به لحاظ کاهش قدرت خرید پول به هنگام واریز اصل وام جلوگیری نمود.

جمع‌بندی:

با این امید که مقاله، با امان نظر بر بیانات مقام معظم رهبری و مقام محترم ریاست جمهوری، سهمی بسیار ناچیز در تبیین و ارائه‌ی طریق در زمینه‌ی جبران کاهش قدرت خرید پول داشته باشد:

۱- در بحث مربوط به اهمیت موضوع، بر استفاده‌ی مطلوب از تمامی امکانات و مقدورات کشور به منظور افزایش سطح تولید و اشتغال و نهایتاً مبارزه و مقابله با تورم تاکید گردید.

۲- با این پیش فرض که وقوف بر ماهیت و علل بروز تورم که در تحلیل نهائی با تبیین نقش پول در اقتصاد اسلامی ملازمه دارد و احتمالاً به عنوان مقاله یا مقالات جداگانه در سمینار ارائه خواهد شد، اقتصادی بیمارگونه که تمامی قرائن و شواهد، ابتلای آن را به درد جانکاه و البته نه صعب‌العلاج تورم نشان می‌دهد، مورد بررسی قرار گرفت و این سوال اساسی مطرح گردید که در رهگذر این رویداد مصیبت‌زا، زیانهای وارده بر افراد جامعه خصوصاً دارندگان درآمدهای ثابت، اکثریت عظیم طبقه متوسط کشور را، چگونه باید جبران نمود؟

۳- از نظر تاریخی، امکان جبران زیانهای وارده بر افراد، خصوصاً با تاکید بر شریعت مقدس اسلام بر رفع لطمات و صدمات وارده بر افراد، مستند بر قاعده و حدیث شریف «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»، به اختصار مورد بحث قرار گرفت.

۴- در همین زمینه، به استقصاء دیدگاههای چند تن از اندیشمندان معاصر پرداخته شد.

۵- از مجموع مطالب مطروحه و بالاخص دیدگاههای اندیشمندان یاد شده این نتیجه حاصل آمد که:

اولاً، دولت به عنوان «پدر خوب خانواده» از دیدگاه حقوق رم و به استناد «قاعده‌ی لا ضرر» و اصل «مسئولیت دولت در اقتصاد جامعه» از دیدگاه حقوق و اقتصاد اسلامی، وظیفه‌ی حفظ سلامت و اداره امور افراد تحت سرپرستی خود را برعهده دارد.

ثانیاً، اداره امور افراد تحت سرپرستی و بالجمله جبران زیان وارده‌ی بر افراد و به طریق اولی جبران زیان کاهش ارزش پول ملی، در عداد اعمال و وظایف حاکمیت دولت به شمار می‌رود.

ثالثاً، این وظیفه، علی‌الخصوص، در شرایطی که تصدی امور پولی و اعتباری بر اساس قوانین مدون کشور، در حیطه‌ی «اختیار» و «اقتدار» دولت قرار دارد، حائز کمال اهمیت است.

با توجه به موارد مذکور و به عنوان ارائه طریق، امکان جبران کاهش ارزش پول با استفاده از روش شاخص بندی INDEXATION در زمینه‌های مختلف و امکان استفاده از روش مذکور در نظام بانکی ایران، به تفکیک در مورد «منابع بانک» و «منابع سپرده‌گذار» در تجربه جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفت.

تردید نمی‌توان داشت که استفاده از شاخص‌بندی و توسل به تدابیر مشابه، تمهیداتی است که در کوتاه‌مدت در رفع مشکلات و مصائب ناشی از تورم می‌تواند مفید فایده قرار گیرد و از نظر اقتصادی، همان گونه که در بررسی‌های مربوط آمده است در رفع اثرات منفی تورم بر کارایی و توزیع درآمد و ثروت، تا حدودی می‌تواند تاثیر بر جای گذارد (۳۰)،^۱ لکن واقعیت این است که استفاده از شاخص‌بندی و توسل به تدابیر مشابه، تمهیداتی است که در کوتاه‌مدت در رفع مشکلات و مصائب ناشی از تورم مفید فایده‌ای تواند بود و تردید نمی‌توان داشت که رفع لطمات و صدمات وارده بر تورم، به طور بنیادی و اساسی، در تعادل عرضه و تقاضای کل، مبارزه و مقابله با اثرات و گرایش‌های تورمی، خصوصاً اتخاذ تدابیر فرهنگی در ایجاد روحیه انضباط و وجدان کار به منظور افزایش سطح تولید و اشتغال، مبارزه با فرصت‌طلبان و سودجویان، مبارزه با اسراف و تبذیر و مصرف‌زدگی و نظایر آن خلاصه می‌شود که در تحلیل نهائی، ضمانت اجرایی تمامی آنها به ابتکار و پشتکار، سیاست و درایت، صلابت و قاطعیت دولت در انجام این رسالت خطیر، منوط و مربوط می‌گردد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پی نوشت:

- ۱- قسمتی از بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع مدرسان، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در آذرماه ۱۳۷۴، مجله‌ی «مسجد» آذر و دی ماه ۱۳۷۴ و نیز «مشرق ولایت»، آذرماه ۱۳۷۴، انتشارات شورای عالی و مدیریت حوزه علمیه قم.
- ۲- قسمتی از بیانات مقام محترم ریاست جمهوری در جمعی از مدیران و مسوولان بانکی، همزمان با آغاز هفته بانکداری اسلامی (شهریورماه ۱۳۷۴)، نشریه پیام بانک، شماره ۵۰، نیمه دوم شهریورماه ۱۳۷۴، امور فرهنگی و روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ۳- از نظر سابقه، مقاله‌ی محققان‌هی آقای حسن گلریز، ریاست موسسه تحقیقات پولی و بانکی تحت عنوان «یادداشتی درباره‌ی جریان کاهش قدرت خرید سپرده‌های مردم نزد بانک» شایان ذکر است. همچنین به نخستین نشست «پول در نگاه فقه و اقتصاد» که در ۲۳ فروردین ماه سال جاری در سالن اجتماعات مدرسه‌ی دارالشفا قم به همت والای پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تشکیل گردید، باید اشاره داشت.
- * اخیراً نیز تحقیق دیگری تحت عنوان «نقد و بررسی نظریه جبران کاهش ارزش پول در بانکداری بدون ربا» توسط آقای سیدحسین میرجلیلی از دانشگاه امام صادق (ع) انجام پذیرفته است که متن کامل آن در شماره‌ی ۹ و ۱۰ نشریه علمی دانشگاه شاهد - سال سوم - پاییز و زمستان ۱۳۷۴ نشر یافته است.
- ۴- برای مزید اطلاع نگاه کنید به: دکتر احمد کتابی، «تورم: علل، آثار و راههای مقابله با آن» به اضافه واژه‌نامه، چاپ و انتشارات اقبال، چاپ سوم با تجدیدنظر کلی، تابستان ۱۳۷۱.
- ۵- برای مزید اطلاع نگاه کنید به: دکتر ایرج توتونچیان، نگاهی به پول و وظایف آن در اقتصاد اسلامی، مقاله‌ی ارائه شده در نخستین مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی، شهریورماه ۱۳۶۷، مندرج در مجموعه‌ی مقالات فارسی (سیاستهای مالی)، انتشارات بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
- ۶- برای مزید اطلاع نگاه کنید به: مجموعه‌ی دالوز، حقوق رم، جلد اول، ص ۱۴۱، شماره ۲۸۰، همچنین: دکتر موسی جوان، مبانی حقوق، جلد اول، ص ۲۳۸.
- ۷- همان ماخذ، همان صفحه.
- ۸- دکتر سیدعلی اصغر هدایتی، درآمدی بر مبانی نظری مسوولیت حقوقی و بیمه مسوولیت حقوقی، مقاله‌ی تهیه شده برای ارائه در نخستین سمینار بیمه و توسعه، برگزارکننده: بیمه مرکزی ایران، هشتم و نهم آبان ماه ۱۳۷۳، مندرج در دو شماره‌ی پایانی بخش حقوقی روزنامه‌ی اطلاعات (پنجشنبه ۲۶ آبان و پنجشنبه ۲۳ آذر ماه ۱۳۷۳).
- ۹- برای مزید اطلاع نگاه کنید به: قانون مدنی، مباحث «اتلاف» و «تسبیب»، مواد ۳۲۸ الی ۳۳۵ در ارتباط با «الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می‌شود».
- ۱۰- الشهد الیید محمد باقر الصدر، اقتصادنا، «مسوولیه الدوله فی الاقتصاد الاسلامی»، مجمع الشهد الصدور العلمی و الثقافی، الطبعه الثانيه، محرم الحرام ۱۴۰۸، ص ۶۹۵.
- ۱۱- همان ماخذ، عین عبارت شهید صدر: «فرض الاسلام علی الدوله ضمان معیسه افراد المجتمع الاسلامی ضماناً کاملأ»، ص ۶۹۷.
- ۱۲- الضمان الاجتماعی -
- ۱۳- همان ماخذ، عین عبارت شهید صدر: فان هذه المسوولیه لا تنفرض علی الدوله ضمان الفرد فی حدود حاجاته الحیاتیه فحسب، بل تنفرض علیها ان تضمن للفرد مستوى النکایه من المعیسه الذی یحیاه افراد المجتمع الاسلامی»، ص ۷۰۱.

۱۴- التوازن الاجتماعي.

۱۵- همان مأخذ: عین عبارت شهید صدر: «التوازن الاجتماعي هو التوازن بين افراد المجتمع في مستوى

المعيشه، لا في مستوى الدخل،

۱۶- همان مأخذ، عین عبارت شهید صدر: «التوازن الاجتماعي هو التوازن بين افراد المجتمع في مستوى

المعيشه، لا في مستوى المعيشه، لا في مستوى الدخل، و التوازن في مستوى المعيشه معناه: ان يكون المال موجوداً لدى افراد المجتمع و متداولاً بينهم، الى درجه تتيح و احداً من المعيشه» ص ۷۰۸.

برای مزید اطلاع خوانندگان گرامی یادآور می‌شود که مأخذ اصلی نویسنده در تطبیق و مقابله‌ی کلام شهید صدر به زبان فارسی، کتاب «اقتصادنا» بوده است که توسط فاضل ارجمند و مترجم توانا آقای مهدی فولادوند ترجمه و به همت بنیاد علوم اسلامی نشر یافته است (چاپ اول، زمستان ۱۳۶۰).

۱۷- اعمال حاکمیت ACT D'AUTORITE

اعمالی که دولت از حیث داشتن قدرت عمومی و به عنوان اعمال قدرت عمومی انجام می‌دهد مانند تأسیس معابر عمومی و میدانها و استخدام مأموران رسمی - در مقابل اعمال تصدی Act de gestion (اعمال حقوقی که دولت نه از حیث اعمال قدرت عمومی بلکه مانند سایر افراد آنرا انجام می‌دهد، مانند عمل دولت در بنگاه راه‌آهن).

مأخذ: دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، زمستان ۱۳۶۸، ص ۴۷۱.

۱۸- بر اساس مدلول اصلی ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

بخش دولتی، شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری و بیمه.... و مانند اینهاست که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

۱۹- جونز (ویلیام استانلی) Jevons William Stanley اقتصاددان انگلیسی (۱۸۳۵-۸۲) و یکی از سه اقتصاددانی است که در دهه ۱۸۷۰ نظریه مطلوبیت نهائی را عنوان نموده‌اند.

(مأخذ: حسن گلریز، فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی، انگلیسی - فارسی، انتشارات مرکز آموزش بانکداری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، پاییز ۱۳۶۸، ص ۲۸۰).

۲۰- مارشال (آلفرد)، اقتصاددان انگلیسی (۱۸۴۲-۱۹۲۴) و استاد اقتصاد سیاسی دانشگاه کمبریج. او آثار زیادی در اقتصاد دارد که مشهورترین آن اصول علم اقتصاد است. مارشال، ادامه دهنده افکار کلاسیکها یعنی مکتب آدام اسمیت و ریکاردو به حساب می‌آید (همان مأخذ، ص ۳۲۷).

۲۱- لینهال (اریک رابرت) Lindhal Erik, Roibert اقتصاددان سوئدی (۱۹۶۰-۱۹۸۱)، از جمله «مارژینالیست‌های به نام است.

وی مطالعات خود را از مایه عمومی آغاز نمود. استفاده از تحلیل اقتصادی در توجیه مفهوم تساوی ازکارهای قابل ملاحظه لینهال به شمار می‌رود. هدف لینهال، این بود که سیاست اقتصادی توان پیش‌بینی خطرات برهم زنده تعادل را به دست آورد و با تعدیلات مناسب پولی با خطرات مذکور مقابله نماید.

Who's Who in Economics, A Biographical Dictionary of Major Economists, 1700 - 1980, Edited by Mark Blaug and Paul Sturges, Wheat - sheaf Books, 1983 p.234

۲۲- مأخذ اصلی: a) Indexation, edited by Elizabeth Bishop Euromoney Book, London 1990.

B) Protection Against Inflation and Exchange Risk: The Role of Indexation, proceedings of the Saltajoladen Conference, July 4-6/1974.

- ۲۳ - ماده ۴۱ - شورای عالی کار همه ساله موظف است میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای ذیل تعیین نماید. بند اول ماده فوق‌الذکر مشعر بر آن است که «حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی است که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود».
- ماخذ: مجموعه قوانین و مقررات کار و تامین اجتماعی، مشتمل بر آخرین اصلاحات تا شهریور ۱۳۷۳ و پرسش و پاسخهای قانون کار، به اهتمام غلامحسین دوانی، عضو انجمن حسابداران خبره ایران، ص ۱۹. شایان ذکر است که قانون مذکور در تاریخ ۱۳۶۸/۷/۲ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده و موادی از آن مورد اختلاف مجلس و شورای نگهبان قرار گرفته و نهایتاً در جلسات متعدد مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و با اصلاح و متمم آن مواد، سرانجام در تاریخ ۱۳۶۹/۸/۲۹ به تصویب نهائی مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است.
- ۲۴ - مجموعه قوانین و مقررات اداری و استخدامی با آخرین اصلاحات و تفسیرات تا نیمه اول سال ۱۳۶۷، گردآوری و تنظیم از دفتر حقوقی سازمان امور اداری و استخدامی کشور، ماده ۳۳.
- ۲۵ - تبصره ۴ از ماده ۱ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت که در تاریخ ۱۳۷۰/۶/۱۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ ۱۳۷۰/۶/۲۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.
- ۲۶ - همان ماخذ مذکور در بند ۲۲ فوق.
- ۲۷ - ماده ۳۳ سابق‌الذکر قانون استخدامی کارکنان کشور و نیز تبصره ۴ ماده اول قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت به شرح مندرج در شاخص‌بندی دستمزد و حقوق، به عنوان مستند قانونی، حاکی از پذیرش شیوهی شاخص‌بندی در قلمرو مذکور در قوانین یاد شده است.
- ۲۸ - بر اساس بند ۴ ماده ۴۱ قانون پولی و بانکی کشور مصوب تیرماه ۱۳۵۱ (فصل سوم - ترتیب انحلال و ورشکستگی بانکها)، «استرداد سپرده‌های پس‌انداز یا سپرده‌های مشابه تا میزان پنجاه هزار ریال در درجه اول و سپرده‌های جاری و سپرده‌های ثابت تا همان مبلغ در درجه دوم، بر کلیه تمهیدات دیگر بانکهای منحل شده یا ورشکسته سایر حقوق ممتازة مقدم است».
- ۲۹ - اشکال عمده‌ی مربوط به خرید دین در تجربه‌ی کوتاه نظام بانکداری بدون ربا در کشور ما، از ارائه‌ی سفته‌های بدون پشتوانه و اصطلاحاً «سفته‌های صوری» که نماینده دین واقعی و اگذارنده نمی‌باشد نشأت می‌گیرد، تا آنجا که به تعبیر برخی از همکاران بانکی، این ابزار در حقیقت «فروش دین» است و نه «خرید دین». رویه معمول در برخی از بانکهای کشور مبنی بر اینکه مانده‌ی این حساب به صفر رسانیده شود، به احتمال قوی، با توجه بدین مشکل اساسی بوده است.

۳۰ - Protection against inflation and exchange risk:

The Role of indexation, Proceedings of the saltsjoladen Conference, July 4-6.1974.p.21.